



تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه هفتم بر اساس روش ویلیام رومی و فلش

پویا نیکی، پردیس خردمند اصل، خداداد نیکی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه شیراز و دبیر آموزش و پرورش شهرستان گچساران
@gmail.comYYPouya.nikiiii

۲- دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر شیراز

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات و زبان فارسی دانشگاه پیام نور گچساران و دبیر آموزش و پرورش گچساران

چکیده:

تحقیق حاضر به بررسی تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه هفتم پرداخته است در پژوهش حاضر، از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی با استفاده از تکنیک های تحلیل محتوا که در این مورد از تکنیک های میزان درگیری و فعال بودن دانش آموزان استفاده شده است که از بین این تکنیک ها، از روش فلش و ویلیام رومی پرداخته شده است؛ و جامعه کتاب درسی پایه هفتم بوده است. و نمونه انتخابی مجموعه ای از صفحات انتخاب گردید. که از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است. ابزار پژوهش، تحلیل محتوا، روش فلش و ویلیام رومی بوده و همچنین روش گرد آوری داده ها اسنادی- سند خوانی بوده است با توجه به نتایج به دست آمده و روش تحلیل محتوای فلش و ویلیام رومی متون داده شده که از کتاب فارسی پایه هفتم انتخاب گردیده به شرح ذیل می باشد: با توجه به جدول سطح خوانایی فلش: متن این کتاب بسیار ساده است (۹۷/۶۴۲۸) و متناسب با سطح دانش آموزان پایه هفتم نمی باشد، بلکه متناسب با سطح دانش آموزان پایه پنجم می باشد. با توجه به ویلیام رومی: متن این کتاب ساده است (۰/۳۵) و کتاب فقط به ارائه اطلاعات علمی می پردازد و از فراگیران می خواهد تا در پی حفظ کردن مطالب علمی ارائه شده باشند. شاخص درگیری فراگیر در تصاویر نیز فاقد اعتبار است (۰/۳۵). شاخص درگیری فراگیر در سوالات فعال است (۱/۲۱).

کلمات کلیدی: تحلیل محتوا، روش فلش، ویلیام رومی، کتاب فارسی پایه هفتم، ضریب دشواری، ضریب درگیری

۱-مقدمه:

کتاب درسی به عنوان یکی از ارکان و عناصر اصلی در فرایند یادگیری در نظام آموزشی معرفی شده است که به عنوان مرجع و منبع موثق و علمی به فعالیت های آموزشی معلم و فراگیر جهت داده و موجب هماهنگی اقدامات و عملکردها جهت تحقق اهداف صریح یادگیری در کلاس درس می شود (حسن مرادی، ۱۳۷۰).

کتاب های درسی باید به گونه ای تدوین شود که اهداف آموزشی از قبل تعیین شده را تامین کند. اگر در طی فرایند آموزشی، نتیجه ای غیر از برنامه مورد نظر به دست آید و یا متناسب با درک فراگیر نباشد، لزوم توجه و بازنگری مطالب مورد تدریس ضروری می نماید (حسینی، مومنی، ۱۳۷۰). از این رو محتوای مطالب آموزشی در نظام های آموزشی متمرکز نیاز به تحلیل و بررسی علمی دارد. این تحلیل به مولفان کمک می کند تا در تدوین کتاب های درسی، تصمیم عاقلانه ای بگیرند و بهترین را انتخاب کنند. به طور مسلم، اگر محتوا حتی در صورت تنظیم دقیق هدف ها، روش و وسیله آموزشی متناسب آموزشی نداشته باشد، فعالیت های آموزشی هرگز نمی تواند فراگیر را به هدف برساند. بنابراین عدم کارایی برنامه درسی، در بیشتر مواقع به دلیل نامناسب بودن محتوا یا چگونگی تنظیم و سازمان دادن آن است که یادگیری را مشکل و کمتر از حد انتظار می کند. به همین علت است که سازمان محتوای برنامه درسی اهمیت بسیاری داشته و در همین راستا تحلیل آن به اساتید و فراگیران امکان نقد کتاب ها، جزوه ها و وسایل آموزشی را می دهد. (شعبانی، ۱۳۶۸).